

ناگهان شعر



حافظ

بتی دارم که گرد گل ز سُنبُل سایه‌بان دارد
بهار عارضش خطّی به خون را غوان دارد
غبارِ خطِ بپوشانید خورشیدُ خُش یا رب
بقایِ جاودانش ده، که خُسنِ جاودان دارد
چو عاشق می‌شدم گفتم که بَردم گوهر مقصود
ندانستم که این دریا چه موجِ خونِ فشان دارد
ز چشمَت جانِ نشاید بُرد کز هر سو که می‌بینم
کمین از گوشه‌ای که دست و تیر اندر کمان دارد
چو دام طُرّه افشاند ز گردِ خاطر عشاق
به غمّا ز صبا گوید که را ز ما نِهان دارد
ببفشان جره‌ای بر خاک و حال اهل دل بشنو
که از جمشید و کیخسرو، فراوان داستان دارد
چو در رویت بختند گل، مشو در دانشِ ای بلبل
که بر گل اعتمادی نیست، گر خُسنِ جهان دارد
خدا را، دادمن بستان از اوایِ شُحنه مجلس
که می‌بایدگری خورده‌ست و بامن سر گِران دارد
به فتراک از همی بندیِ خدا را زود صیدم کن
که آفتِ هاست در تأخیر و طالب را زیان دارد
ز سو قدّ دلجویت مکن محروم چشم‌را
بدین سرچشمه‌اش پُشان که خوش‌آبی‌روان دارد
ز خوفِ هجرم ایمن کن اگر آمیدان داری
که از چشمِ بداندیشان خدایت در امان دارد
چه عذرِ بختِ خود گویم؟ که آن عیارِ شهر آشوب
به تلخی کُشتِ حافظ را و شُکر در دهان دارد



سعدی

خوش می‌روی به تنهاتن ها فدایِ جانَت
مد هوش می‌گذاری یارانِ مهربانَت
آیینهای طلب کن تارویِ خود ببینی
وز حسنِ خود بماند انگشت در دهانَت
قصد شکار داری با اتفاقِ بستان
عز می‌دست باید تا می‌کشد عنانَت
ای قلبن ز خرامانِ با دوستان نگه کن
تا بگذرد نسیمی بر ما ز بوستانَت
رخت سرایِ عظم تاراج شوق کردی
ای دزد آشکارا می‌بینم از نهانَت
هر دم کمند زلفت صیدی دگر بگیرد
پیکانِ غمزده دل ز ابرویِ چون کمانَت
دانی چر آنخفتیم تو یاد شاه حسنی
خفتن حرام باشد بر چشمِ پاسبانَت
مارانمی بر از دبا و صلتِ آشنایی
مرغی لبِق تراز من باید هم آشیانَت
من آب ز ندگانی بعد از تو می‌نخواهم
بگذار تا بایرم بر خاک آستانَت
من فتنه ز مانم وان دوستان که داری
بی شک نگاه دارند از فتنه زمانَت
سعدی چو دوست داری آزاد باش و ایمن
ور دشمنی بباشد با هر که در جهانَت

غلط نویسیم

اجنه

این کلمه در عربی جمع «جنین» است ولی در فارسی آن را جمع (جن) می‌گیرند و در معنی «جن‌ها» به کار می‌برند
داستان‌هایی دربارهٔ اجنه که آن‌ها را بهتر از ما می‌خواندند در خاطر می‌گذاشت. (ندوشن)

احسن/احسنت

احسن به معنی «بهتر؛ خوب‌تر» است
آن‌چه را لازمهٔ بی‌طرفی است به وجه احسن رعایت کند. (زرین کوب؛ حکایات همچنان باقی)
احسنت: اصل آن در عربی «أَحْسَنْتُ» است به معنی «آفرین بر تو (شما)» در فارسی هم به همین معنی به کار می‌رود.
احسنت، دوست عزیز این همان کاری است که من خواهم کرد. (زرین کوب؛ نقش بر آب)
بر گرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی»، سخن تالیف استاد حسن انوری

فارسی‌زبانان جهان در سوگ اسطور ه موسیقی تاجیکستان

در پی درگذشت زنده‌یاد استاد دولتمند خائف، نوازنده و خواننده سرشناس تاجیکستان و همچنین خواننده قطعه معروف «شاه پناهم‌بده» در وصف حضرت امام رضا (ع) با شاه منصور شاه میرزا، شاعر و پژوهشگر نام‌آور تاجیکستانی گفت‌وگو کرده‌ایم

کرده‌ی زنده‌یاد استاد دولتمند خائف را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌داران پاسداشت زبان و ادبیات فارسی در تاجیکستان نامید. هنرمندی که نخستین کنسرتش در سال ۱۹۶۳ در ۱۳ سالگی از تلویزیون سراسری پخش شد و از حدود سه دهه پیش، شعرهای مولوی را در قالب موسیقی تاجیکستانی خواند.

او علاوه بر کسب جوایز فراوان بین‌المللی نشان طلایی کشور فرانسه را دریافت کرد. ترانه قطعه دور مشو دور دستانم ام/دست مرا رد مکن، بر در شاه آدمد و... شاید زمانی که محمود حبیبی کسی شاعر این شعر پس از سپری کردن روزهای دلگیر به یک‌باره تصمیم گرفت به زیارت امام رضا (ع) بیاید، فکرش را هم نمی‌کرد قرار است شعری بنویسد که هم حال خودش را بهتر کند و هم خواننده‌ای بزرگ و خوش صدا مانند دولتمند خائف تاجیکستانی با صدای پرطنینش آن را بخواند و بسیاری از دوستداران زبان و ادبیات فارسی را در سراسر جهان تسکین دهد. او در اجراهای مختلف این اثر را می‌خواند و نواپی که از دلش بر می‌آمد لاجرم بدل می‌نشست.

این خواننده صاحب سبک تاجیکستانی همکاری‌هایی با خوانندگان ایرانی داشت و با نگاهی مهروزرانه و البته سخت‌گیرانه به خلق آثاری با شعرهایی از بزرگان ادب پارسی می‌پرداخت.

دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

کرده‌ی زنده‌یاد استاد دولتمند خائف را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌داران پاسداشت زبان و ادبیات فارسی در تاجیکستان نامید. هنرمندی که نخستین کنسرتش در سال ۱۹۶۳ در ۱۳ سالگی از تلویزیون سراسری پخش شد و از حدود سه دهه پیش، شعرهای مولوی را در قالب موسیقی تاجیکستانی خواند.

او علاوه بر کسب جوایز فراوان بین‌المللی نشان طلایی کشور فرانسه را دریافت کرد. ترانه قطعه دور مشو دور دستانم ام/دست مرا رد مکن، بر در شاه آدمد و... شاید زمانی که محمود حبیبی کسی شاعر این شعر پس از سپری کردن روزهای دلگیر به یک‌باره تصمیم گرفت به زیارت امام رضا (ع) بیاید، فکرش را هم نمی‌کرد قرار است شعری بنویسد که هم حال خودش را بهتر کند و هم خواننده‌ای بزرگ و خوش صدا مانند دولتمند خائف تاجیکستانی با صدای پرطنینش آن را بخواند و نواپی که از دلش بر می‌آمد لاجرم بدل می‌نشست.

این خواننده صاحب سبک تاجیکستانی همکاری‌هایی با خوانندگان ایرانی داشت و با نگاهی مهروزرانه و البته سخت‌گیرانه به خلق آثاری با شعرهایی از بزرگان ادب پارسی می‌پرداخت.

دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

کرده‌ی زنده‌یاد استاد دولتمند خائف را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌داران پاسداشت زبان و ادبیات فارسی در تاجیکستان نامید. هنرمندی که نخستین کنسرتش در سال ۱۹۶۳ در ۱۳ سالگی از تلویزیون سراسری پخش شد و از حدود سه دهه پیش، شعرهای مولوی را در قالب موسیقی تاجیکستانی خواند.

او علاوه بر کسب جوایز فراوان بین‌المللی نشان طلایی کشور فرانسه را دریافت کرد. ترانه قطعه دور مشو دور دستانم ام/دست مرا رد مکن، بر در شاه آدمد و... شاید زمانی که محمود حبیبی کسی شاعر این شعر پس از سپری کردن روزهای دلگیر به یک‌باره تصمیم گرفت به زیارت امام رضا (ع) بیاید، فکرش را هم نمی‌کرد قرار است شعری بنویسد که هم حال خودش را بهتر کند و هم خواننده‌ای بزرگ و خوش صدا مانند دولتمند خائف تاجیکستانی با صدای پرطنینش آن را بخواند و نواپی که از دلش بر می‌آمد لاجرم بدل می‌نشست.

این خواننده صاحب سبک تاجیکستانی همکاری‌هایی با خوانندگان ایرانی داشت و با نگاهی مهروزرانه و البته سخت‌گیرانه به خلق آثاری با شعرهایی از بزرگان ادب پارسی می‌پرداخت.

دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

تسلط دولتمند به ادبیات فارسی و سخت‌گیری‌هایش در انتخاب شعر بازند اهالی هنر تاجیکستان است. او با توجه به روحیه عارف مسلکش به سراغ شعرهای مولوی رفت و با تکیه‌گذاری‌های صحیح در موسیقی قدرت‌زبان و ادبیات فارسی و شعر کهن فارسی را به اهالی موسیقی گوشزد می‌کرد. دولتمند متولد سال ۱۹۵۰ در روستای کوچک داغستان ناحیه شورآباد تاجیکستان بود. اگرچه خانواده او کشاورز بودند اما آشنایی پدر و مادرش با فرهنگ و ادبیات، او را در همان دوران کودکی شیفته ادبیات و موسیقی کرد. سال‌ها گذشت و دولتمند با تلاشی مثال‌زدنی به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار مشغول شد تا کار به جایی رسید که چیرهدستی‌اش در نواختن و خواندن، آواز و این هنرمند داغستانی را از تاجیکستان به گوش جهانیان رساند.

موسیقی

محمد معتمدی:

ارکستر ملی را باید بگویم و بسازیم



محمد معتمدی، خواننده موسیقی سنتی کشورمان، بر بازنگری اساسی و اصولی ارکستر ملی ایران تأکید کرده به ایرنا گفت: «ارکستر ملی همچون بنای فرسوده‌ای است که باید بازسازی شود و حتی به نظر من باید بگویم و دوباره بسازیم».

محمد معتمدی درباره قطع همکاری خود با ارکستر ملی و همکاری مجددش با این گروه گفت: «سال‌ها با ارکستر ملی همکاری نداشتم. این به معنای جبهه‌گیری و خصومت نیست، ولی قدری دلخوری و انتقاد ضمیمه این عدم همکاری بود. به خاطر این که همان سالی که اعلام کردم همکاری نمی‌کنم، در ضمیمه این متنی که نوشتم بیان کردم که اگر اکنون بخواهم از تجربه ۲ دهه همکاری خود با ارکستر ملی بگویم چرا هیچ سندی در آرشیو این مجموعه وجود ندارد؛ به جز خاطره‌ای که بگویم که سال فلان با ارکستر ملی اجرا کردم چه اجرای خوبی بود؛ وقتی یک محصولی می‌خواهید به جامعه ارائه دهید باید یک چیز مشهود و ملموس باشد. این که ۸۰۰-۷۰ نفر در سالی حضور داشته باشند و لذت ببرند به خودی خود در کار فرهنگی و هنری نهایت ارزش است، ولی آن تأثیر چطور می‌تواند ماندگار باشد؛ چرا نباید یک ویدئو یا صدای آرشیو شده باشد».

خط‌مشی‌و شنیداری جامعه به کجایم رود؟ محمد معتمدی در ادامه از نبود آرشیوی از اجراهای ارکستر ملی ایران انتقاد کرد و گفت: «در واقع ارکستر ملی ما آرشیو ندارد. حتی همین اجرای ارکستر ملی که قرار بود در جشنواره اجرا کند و بنده این افتخار را داشتم در خدمت ارکستر باشم با این که استاد بزرگوار جناب رحیمیان عزیز و جناب... باری به عنوان مدیر بنیاد و جناب آقای سمعی که از بنده برای این فستیوال دعوت کردند، همه بسیار تلاش کردند اما دست همه بسیار خالی بود. یعنی یک چیزی را تحویل گرفتند، یک نهاد دارای ارکستر را تحویل گرفتند که این ارکستر و نهاد بضاعت اندکی داشت. در آن آرشیو زنکن‌ها و فایل‌ها و کتاب‌ها برای ۵۰-۴۰ سال پیش است و بسیار قدیمی است و به‌روزرسانی نشده است و نیاز به بازنگری اساسی و اصولی دارد. یعنی مثل یک بنای فرسوده‌ای که باید بازسازی شود ولی باید اصولی بازسازی شود و حتی به نظر من می‌توان گفت بگویم و بسازیم. از منظر حقوقی قرار دادها، اساسنامه‌ای می‌تواند بازنگری شود و تا آرشیو، تا مسائل فنی مربوط به ارکستر، تا نوازنده‌ها و رهبر ارکستر که در درجه خوبی از بهترین نوازنده‌ها هستند. ما قرار است چه کار کنیم؟ قرار است خط‌مشی فرهنگی و شنیداری جامعه به کجا برود؟ در مملکتی که خود موسیقی و ادبیات هنر دارد، فرهنگ غنی دارد، کجا استاندارد دساری می‌کنیم و کجا برنامه‌ای داریم که اگر این نباشد پس به جای این چه باشد؟ جای خالی چنین نهادی احساس می‌شود و امید است بنیاد رود کی، ارشاد و همه نهادهای فرهنگی به این عرصه ورود معنادار داشته باشند».

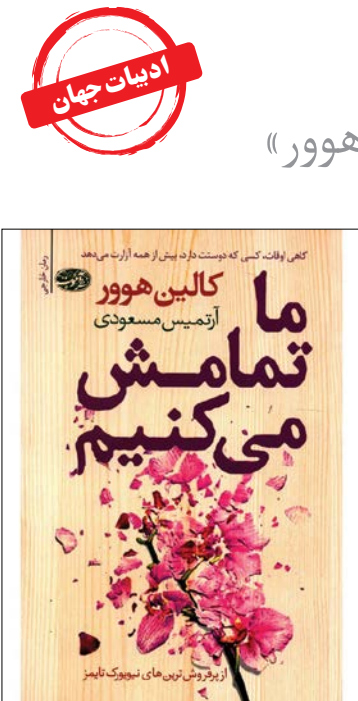
ادبی

چاپ چهارم «من طاهره صفارزاده هستم؛ کودک قرن»



کتاب شایسته تقدیر چهل‌ویکمین جایزه کتاب سال از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ چهارم رسید. به گزارش اپینا، این کتاب با مجموعه «کودکی نامداران» (نامداران از نازنگی در کتاب‌موج می‌زند به نویسندگی پرویز امینی برای گروه سنی نونگاه (بالای ۱۲ سال) منتشر شده است. مجموعه نامداران در قالب ۱۰ عنوان کتاب به شیوه اول شخص و از زبان شخصیت اصلی به کودکانی که چهره‌های نامدار ایرانی در حوزه‌های مختلف می‌پردازد و شامل داستان‌هایی است که با شخصیت‌پردازی مناسب و تصویرسازی جذاب، نوجوانان را به فضای زندگی این چهره‌ها در قرن گذشته نزدیک می‌کند. مرتضی یزدانی تصویرگری کتاب «من طاهره صفارزاده هستم؛ کودک قرن» را بر عهده داشته است. کتاب به بخش‌هایی از دوران کودکی طاهره صفارزاده شاعر، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم می‌پردازد.

کند خود زندگی است با چاشنی خیال، و گاه به شکلی رویاپردازانه قصه را دنبال می‌کند: «قبلاً بهترین روش تخلیه خشم برای من باغبانی بود، هر وقت دچار استرس می‌شدم به حیاط خلوت می‌رفتم و گیاه‌های هرزی که پیدایم کردم، بیرون می‌کشیدم، اما حالا... این نکته را هم باید در نظر داشت که نویسنده داستان یک زن است و قرار قرار باشد اصالت و هویتی در متن جلب توجه کند بایستی رگه‌هایی از زنانگی در اثر برجسته باشد که هست: «بسیار رویایی ست، این که در خانه‌ای زندگی کنی که روی یک ساختمان بنا شده است... من به این فکر نکرده بودم، اگر آن‌چنان می‌بود پشت بامش را با باغچه می‌کردم، این‌طوری می‌توانستم جایی برای آرامش داشته باشم... همین که قهرمان داستان «ما تماش می‌کنیم» یک زن است خود می‌تواند دلیلی باشد بر هویت اثر؛ اما نکته قابل توجه تر داستان این است که به دور از هر گونه تعصیبی که این که را سبب از زنانگی در کتاب‌موج می‌زند به نظر می‌رسد نویسنده کتاب تلاش کرده‌است که از فمینیست گرای مصون بماند و خودش را از قضاوت منتقدان تبرئه کند. کتاب «ما تما مش می‌کنیم» در ایران با چندین ترجمه منتشر شده است که یکی از آن‌ها ترجمه آرتمیس مسعودی است و توسط نشر آمو ت در سال ۲۰۱۶ میلادی منتشر شده است. یکی از افتخارات «کالین هور» برنده جایزه بهترین کتاب «گوردریز» در بخش رمان و داستان عاشقانه در سال ۲۰۱۶ است؛ از جمله کتاب‌های دیگر این نویسنده می‌توان به «پسته»، «عقب‌نشینی» و «این دختر» اشاره کرد که جوایز و افتخارات زیادی را برای «کالین هور» به ارمغان آورده‌است.



عطف یک متن می‌تواند باشد در داستانی بلند که خواننده‌اش را دچار مال نکند و او را به ادامه روایت تشویق کرده باشد. «ما تما مش می‌کنیم» از آن دست کتاب‌هایی است که در عین ناامیدی سرشار از امید و با تمام تلخی‌پر از شور زندگی است. به عبارتی کتاب نه سیاه است و نه سفید، بلکه یک شادی و غم توأمان را در خود نهفته دارد و نویسنده‌اش بیشتر از آن که یک خوش‌بین کاذب باشد یا به شکلی افراطی به بدبینی دچار باشد، یک نویسنده واقع‌بین است و آنچه روایت می‌

ما تما مش می‌کنیم

نگاهی به کتاب «ما تما مش می‌کنیم» اثر «کالین هور»

خلاصه داستان این است که «لیلی» شخصیت اصلی داستان در لوج ناامیدی با مرئی آشنایی شود که او را به زندگی بر می‌گرداند و در دست لحظه‌های آخری که فکر می‌کند همه چیز تمام شده است نقطه‌امیدی در دلش زنده می‌شود: «یک پایم را روی پشت بام گذاشته ام و از طبقه دوازدهم خیابان‌های بوستون، آتما شامی‌کنم، نمی‌توانم به مرگ فکر نکنم، نه، نه در مورد خودم، زندگی را آن قدر دوست دارم که بخواهم ادامه اش بدهم.» کالین هور» علاوه بر این که روایت جذاب و عامه‌پسندی را برای داستان برگزیده‌است چنان فرمول‌یشتن را متفاوت و به دور از کلیشه‌های معمول انتخاب کرده‌است که مخاطب خاص را هم دل‌زده نمی‌کند و این به خوانش کتاب کمک کرده‌است: «امروز بعد از سخنرانی ام در مراسم خاکسپاری بلافاصله به یک لیت هواپیما به مقصد بوستون گرفتم و اولین پشت‌بام‌بلندی که می‌توانستم پیدا کنم را تصاحب کردم، من هیچ قصدی برای این که خودم را از این بالا پرت کنم ندارم، فقط برای این به اینجا آمدم که نیاز به هوای تازه و سکوت داشتم.» این تضاد بین مرگ و زندگی که راوی داستان با توصیف بلندترین ساختمان شهر که هم می‌تواند باعث وحشت سقوط شود و هم هوای تازه را به ذهن متبادر می‌کند، نقطه

حیدر کاسبی - کتاب «ما تما مش می‌کنیم» نوشته «کالین هور» نویسنده آمریکایی، داستانی است با محوریت درام که بیش از هر چیزی می‌خواهد به مخاطبش یادآوری کند، زندگی به شکل عجیبی غیر قابل پیش‌بینی است و همان قدر که بسیاری از چیزها بر اثر اتفاق به دست می‌آید، همان قدر هم می‌تواند در معرض از دست رفتن باشد.

آگهی فراخوان مزایده عمومی ۴۶-۱۴۰۲ (نوبت دوم)
مزایده گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی (سهامی خاص)
موضوع مزایده: فروش ۴ قلم کالای اسقاط و مازاد شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی
شرایط شرکت کنندگان: فقط تولید کننده سیم و کابل و مراکز ذوب فلزات با ارائه پروانه معتبر بهره برداری در یافت و بارگذاری اسناد: از طریق سامانه تدارکات دولت (www.setadiran.ir)
زمان فروش اسناد: از روز یکشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تا شنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۵
زمان و محل بازدید: از روز دوشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ لغایت ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ ساعت ۹ تا ۱۳
مهلت ثبت پیشنهاد در سامانه تدارکات دولت: حداکثر تا سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵
گشایش پیشنهادات: روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

آگهی فراخوان مزایده عمومی ۴۵-۱۴۰۲ (نوبت دوم)
مزایده گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی (سهامی خاص)
موضوع مزایده: فروش ۴ قلم کالای اسقاط و مازاد شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی
شرایط شرکت کنندگان: شرکت در مزایده برای تمامی شرکت ها و همچنین افراد حقیقی آزاد است.
در یافت و بارگذاری اسناد: از طریق سامانه تدارکات دولت (www.setadiran.ir)
زمان فروش اسناد: از روز یکشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تا شنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۵
زمان و محل بازدید: از روز دوشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ لغایت ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ ساعت ۹ تا ۱۳
مهلت ثبت پیشنهاد در سامانه تدارکات دولت: حداکثر تا سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵